انترناسیونال 769

سعید مدانلو

**جام جهانی فوتبال و مردم سرنگونی طلب!**

تیم ایران در مسابقات جام جهانی فوتبال چه ببرد و چه ببازد ضرر و زیانش مستقیماً متوجه جمهوری اسلامی خواهد بود. بفرض که تیم فوتبال ایران تا مراحل بالاتری جان بدر ببرد، تناقضات عدیده سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی به نحو شدید و غیر قابل کنترلی نه تنها در سطح مملکت بلکه در ابعاد جهانی پدیدار خواهد شد.

آنچه از مصاحبه های اخیر کارلوس کیروش مربی تیم منتخب ایران برمیاید، بخش قدرتمندی از جناح های حکومت از پیروزی تیم فوتبال ایران در مسابقات ورزشی پر و سر و صدای بین المللی، بویژه از ورزش محبوب فوتبال، وحشت دارند. جناح روحانی حتی الامکان تلاش کرده خودش را بعنوان "یار دوازهم تیم ملی" جا بزند. هر دو جناح خامنه ای و روحانی در مورد برخورد با موفقیت تیم منتخب ایران در بازیها، کاملاً هماهنگ و حساب شده عمل میکنند. آنها در بحبوحه موفقیت تیم ایران در مقابل تیم مراکش، مخصوصا محمد ثلاث که هم از نظر افکار عمومی و هم بلحاظ شواهد محکمه پسند به نحو غیر قابل انکاری از ارتکاب جرم نسبت داده شده به وی مبرا بود را کشتند. دقیقاً به این دلیل که "مردم حساب کار دستشان باشد، زیادی دور بر ندارند و یک زمان تصور نکنند حکومت اسلامی حساب کار دستش نیست". از اینروست که موفقیت هرچه بیشتر تیم فوتبال ایران، تحرکات علنی تر، بی تعارف تر و رادیکال تر جنبش سرنگونی طلب را آنچنان افزایش خواهد داد که آب را از سر روحانی و جماعت اصلاح طلب خواهد گذراند.

عده ای گویا موفقیت تیم فوتبال ایران به هر درجه ای که باشد را، در مجموع به نفع حاکمیت، و بخصوص به نفع ارتقاء ناسیونالیسم در اپوزیسیون جمهوری اسلامی ارزیانی میکنند. این ارزیابی درست نیست. بدین جهت که اساس مطالبات مردم مادی، رفاهی، برابری طلبانه و آزادیخواهانه است. مهم نیست که تحرکات جنبش مردم با کدام مشخصه سیاسی ای به نحو گسترده ای آغاز میشود. مهم این است که به کجا ختم می شود. در رویارویی مردم و رژیم، مهم نیست کدام چیزی مردم را بطور گسترده علیه حاکمیت به خیابانهای آن مملکت می کشاند، مهم این که تحرک خیابانی جمعیتهای بزرگ از مردم سرنگونی طلب، آتش جنبش مردم را علیه کل حاکمیت مستقر بمراتب بر افروخته تر میکند.

اینکه سرنوشت جنبش سرنگونی طلب در روند تشدید رادیکالیسمش بکجا ختم میشود، مسئولیت اصلی اش به عهده نیروهای چپ و کمونیست سرنگونی طلب است. بستگی به این دارد که آنها- و یا کدامیک از آنها - به چه درجاتی تحرکات جنبش مردم را حول مفاد مطالباتی برنامه معینی متشکل میکنند و سازمان میدهند. در غیر اینصورت نیروهای راست اپوزیسیون میتوانند زیر پرچم تعدادی از "ژنرال های وطن پرست سپاه و ارتش و ناجی مملکت از تجزیه" گرد آورده شده و قدرت سیاسی را در دست بگیرند.

منتها اگر تیم منتخب فوتبال ایران با وجود سر و صداهای زیادی که پیرامون آن بلند شده و جمهوری اسلامی هم فعلاً دارد "به امید خدا" به آن تن میدهد، طبق معمول سنواتی علیرغم همه تلاشهای مربی و بازیکنانش، در بازی بعدی ببازد و از دور مسابقات حذف شود، چه پیش خواهد آمد؟

تب جام جهانی فوتبال هرچند که توجه زیادی را از سراسر جهان بخود جذب میکند و منافع اقتصادی مهمی را برای بخشی از موسسات خدماتی سرمایه در بر دارد و در عین حال منافع سیاسی و اقتصادی معینی را نیز برای سرمایه کشور برگزار کنندهٔ بازیها تعریف میکند، تب آن نیز علیرغم بالا بودن درجه اش، بیشتر از یکماه نخواهد پائید. اگر تیم ایران ببازد، به محض فروکش کردن تب فوتبال، تازه مردم یاد بدهکاری هایشان میافتند! جنبشی که در پس فروکش کردن تب فوتبال علیه جمهوری اسلامی وارد میدان خواهد شد فوق العاده قدرتمندتر، رادیکال تر ومطالباتی تر و از رنگ بوی ناسیونالیسم درهرشکل و شمایلی فاصله بیشتری خواهد داشت. "پرچم ملی" این بار بمراتب ناکار آمدتر، فرعی تر و پیش پا افتاده تر وارد عرصه کارزار خواهد شد.

جمهوری اسلامی با جنبش عظیمی علیه کل موجودیت خود روبروست. جام جهانی و هر معرکه پرسر و صدائی دیگری که حکومت اسلامی نیز پایش وسط آن باشد، فارغ از نتایج نهائی آن، مستقیماً به ارتقاء سطح تعرض جنبش مردم علیه حاکمیت اسلامی منجر خواهد شد.